

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

«کار تحقیقی ۱»

عنوان تحقیق:

بررسی نسب وارث کودک ناشی از تلقیح مصنوعی

ترم ۸ حقوق

استاد راهنما: جناب آقای دکتر کاشانی

« دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی »

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

«فهرست اجمالی مطالب»

.....	مقدمه
.....	فصل اول- تعاریف و کلیات
.....	فصل دوم-تاریخچه
.....	فصل سوم- تلقیح مصنوعی
.....	فصل چهارم- مادر جانشین
.....	نتیجه گیری کلی

«فهرست تفصیلی مطالب»

..... مقدمه

..... فصل اول- تعاریف و کلیات

..... تعریف مسأله و موضوع تحقیق

..... سئوالات اصلی تحقیق

..... فرضیه های تحقیق

..... اهداف تحقیق

..... اهمیت تحقیق

..... روش تحقیق و شیوه گرد آوری مطالب

..... فصل دوم- تاریخچه تلقیح مصنوعی

..... فصل سوم- تلقیح مصنوعی

..... مبحث اول- تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر

..... گفتار نخست- جواز یا حرمت تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر

..... گفتار دوم- آثار مالی و غیر مالی نسب ناشی از تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر

..... بند اول- آثار مالی

..... الف) توارث

..... ب) نفقه

.....(ج) سایر آثار مالی

.....بند دوم- آثار غیر مالی

.....الف) حرمت نکاح

.....ب) حضانت

.....ج) تربیت

.....د) ولایت

.....مبحث دوم- تلقیح مصنوعی با اسپرم بیگانه

گفتار نخست- وضع حقوقی - فقهی (جواز یا حرمت) تلقیح مصنوعی با اسپرم بیگانه

.....گفتار دوم- دلایل مخالفان و موافقان این روش

.....۱- اطلاق و عموم پاره ای از آیات قرآن

.....۲- اطلاق و عموم پاره ای از روایات

.....۳- مقتضای قاعده احتیاط

.....گفتار سوم- نسب ناشی از لقاح مصنوعی با اسپرم بیگانه

.....بند اول- نسب ناشی از لقاح به شبهه با اسپرم اجنبی

.....بند دوم- نسب طفل ناشی از لقاح عمدی با اسپرم غیر شوهر (اجنبی)

.....۱- قائلین به عدم ثبوت نسب

.....۲- قائلین به ثبوت نسب

الف) رابطه طفل با زوج (شوهر زن).....

ب) رابطه طفل با زوجه (مادر).....

ج) رابطه طفل با صاحب آب.....

فصل چهارم- مادر جانشین.....

مبحث اول- قرارداد مادر جانشین.....

گفتار اول- تعریف قرارداد مادر جانشین.....

گفتار دوم- نظرات مخالفان و موافقان.....

مبحث دوم- وضعیت فقهی حالت مادر جانشین.....

گفتار اول- لقاح داخل رحمی.....

بند اول- حالت جانشینی در بارداری.....

بند دوم- حالت جانشینی با باروری مصنوعی.....

گفتار دوم- لقاح خارجی رحمی.....

بند اول- فراهم کردن زمینه لقاح بین اسپرم و تخمک در آزمایشگاه.....

بند دوم- انتقال جنین تشکیل شده به رحم مادر جانشین.....

مبحث سوم- نسب در حالت مادر جانشین.....

مبحث چهارم- مادر کیست؟.....

گفتار اول- حالت جانشینی در بارداری.....

گفتار دوم- حالت جانشینی با باروری مصنوعی

مبحث پنجم- آثار نسب

گفتار اول-حرمت نکاح

گفتار دوم-حضانت

گفتار سوم- ولایت قهری

گفتار چهارم- الزام به انفاق

بند اول- انفاق بین کودک و صاحب اسپرم

بند دوم- انفاق بین کودک و صاحب رحم اجاره ای

گفتار پنجم- توارث

بند اول- توارث بین صاحب اسپرم و کودک

بند دوم- توارث بین طفل و صاحب تخمک

بند سوم- توارث بین طفل و صاحب رحم اجاره ای

نتیجه گیری کلی

«مقدمه»

جامعه بشری دائماً در حال تغییر و تحول است. روز به روز مسائل جدیدی پیش می آید که از جنبه های مخلف نیاز به بررسی و پژوهش دارد.

علم حقوق نیز ناگزیر است تا همزمان با این تحولات، توسعه یابد تا جوابگوی نیازهای جامعه باشد چون در غیر اینصورت مشکلات عدیده ای بر سر راه جامعه قرار می گیرد.

لذا فقدان قانون در مورد مسائل جدید منجر به هرج و مرج می گردد. یکی از مسائل جدید که از جنبه های مختلف قابل بررسی است تا مسأله روشهای جدید باوروری به

طریقه مصنوعی می باشد. مسأله تلقیح مصنوعی ابتداءً در مورد گیاهان و حیوانات انجام شد و کم کم در مورد انسان هم انجام شد و نتایج مثبتی داشت. تلقیح مصنوعی می تواند

باعث حل مشکلات بسیاری از خانواده ها شود که از نعمت داشتن فرزند محروم اند. ولی البته همچون دیگر مسائل جدید، باعث نگرانی ها و مخلفت هایی هم شده است.

این مسأله فقط از جنبه حقوقی اهمیت ندارد و چه بسا جنبه های اخلاقی و اجتماعی آن مهمتر از جنبه حقوقی آن باشد. مسائلی همچون ترکیب اسپرم با تخمک در خارج از

رحم، انتقال جنین زوجین به رحم زن ثالث، ترکیب اسپرم مرد وزن بیگانه، پرورش جنین در لوله آزمایشگاه، اهداء تخمک / جنین و سئوالات بیشماری را ایجاد می کند.

تلقیح مصنوعی انواع گوناگونی دارد: از جمله تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر، تلقیح مصنوعی با اسپرم بیگانه، حالت مادر جانشین و حالت اهداء تخمک / جنین: که مادر این

**جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید**

نوشته به بررسی تلقیح با اسپرم شوهر و با اسپرم بیگانه و حالت مادر جانشین پرداخته

ایم و بحث اهداء تخمک / جنین را مورد بررسی قرار نداده ایم.

دراین نوشته، آنچه بیشتر مورد توجه است، بررسی مشروعیت یا عدم مشروعیت طرق

تلقیح مصنوعی و بررسی نسب و آثار آن از جمله ارث طفل حاصل از این طرق است.

به این معنا که طفل حاصل از طرق تلقیح مصنوعی به چه کسی یا کسانی ملحق می شود

و آثار این الحاق چیست؟

و همچنین نظرات فقهاء و حقوقدانان را مورد بررسی قرار داده ایم.

فصل اول

۱- تعاریف و کلیات:

تلقیح مصنوعی عبارت است از داخل کردن منی مرد به وسیله آلات پزشکی و یا هر وسیله دیگر غیر از مقاربت در رحم زن.

طفل حاصل از عمل مزبور را طفل حاصل از تلقیح مصنوعی می نامند

لقاح در لغت به معنای آبستن شدن و تلقیح به معنای آبستن کردن است.

بنابر این معنای لغوی لقاح از معنای حقوقی آن دور نگردیده است چون لقاح مصنوعی د

اصطلاح حقوقی یعنی بارور شدن جنس مؤنث (اعم از انسان و حیوان و گیاه) با وسایل

مصنوعی و تلقیح مصنوعی هم به معنای بارورکردن جنس مؤنث (اعم از انسان و

حیوان و گیاه) از راه وارد کردن اسپرم در رحم جنس مؤنث با وسایل مصنوعی است

بدون انجام مقاربت طبیعی

نسب:

نسب از نظر لغت، مصدر و به معنی قرابت و علاقه و رابطه بین دو شیئی است و در

زبان فارسی، آن را نژاد می گویند^۱

نسب از نظر اصطلاح حقوقی:

در قانون مدنی ایران تعریفی از نسب نشده است ولی علماء حقوق تعاریفی ارائه داده

اند: از جمله آقای محمد عبده بروجردی نسب را چنین تعریف کرده است:

« نسب علاقه ای است بین دو نفر که به سبب تولد یکی از آنها از دیگری یا تولدشان از شخص ثالث حادث می شود»

آقای دکتر سید حسن امامی نسب را چنین تعریف کرده است: «نسب، مصدر است و به معنی قرابت و خویشاوندی می باشد. و اضافه کرده است: «نسب امری است که به

واسطه انعقاد نطفه از نزدیکی زن و مرد به وجود می آید. از این امر، رابطه طبیعی خونی

بین طفل و آن دو نفر که یکی پدر و دیگری مادر باشد موجود می گردد»^۱

نسب، اعم از پدری یا مادری ممکن است مشروع باشد یا نامشروع و همچنین ممکن

است حاصل از نزدیکی طبیعی باشد یا حاصل از تلقیح مصنوعی

روش تلقیح مصنوعی توانسته است باعث از بین رفتن مشکلات خانواده هایی شود که

به دلایلی از جمله عنن یا انزال سریع و یا عیوب مجاری آلات تناسلی زن و مرد از

نعمت داشتن فرزند محروم بوده اند.

۲- تعریف مسئله و موضوع تحقیق:

در حال حاضر امکان فرزند دار شدن زوجین نا بارور از طریق جدید وجود دارد که در این جریان ممکن است از اسپرم مرد بیگانه و یا تخمک زن بیگانه استفاده شود و یا تخمک و اسپرم زن و شوهر در خارج از رحم ترکیب شوند و یا از رحم زن ثالثی استفاده شود و یا از جنین اهدایی استفاده شود که بررسی وضعیت حقوقی طفل حاصل از این روشها از اهمیت فراوانی برخوردار می باشد.

۳- سئوالات اصلی تحقیق:

۱- آیا نسب طفل ناشی از تلقیح مصنوعی از نظر شرعی مشکلی دارد یا خیر؟

۲- آیا طفل ناشی از تلقیح مصنوعی در انواع گوناگون آن ارث می برد یا خیر؟

۳- نسب طفل ناشی از تلقیح مصنوعی به چه کسی می رسد و از چه کسی ارث می

برد؟

۴- فرضیه های تحقیق:

۱- نسب طفل ناشی از باروری مصنوعی در انواع مختلف آن مشروع و قانونی است.

۲- در حالت مادر جانشین، طفل منسب به پدر و مادر حکمی خواهد شد.

۵- اهداف تحقیق:

۱- تبیین و روش ساختن نسب وارث طفل ناشی از تلقیح مصنوعی

۲- بررسی موانع و مشکلات تلقیح مصنوعی از جمله در مورد نسب وارث کودک ناشی

از آن

۵- بررسی وضعیت طفل در شرع و قانون

۶- اهمیت تحقیق:

با توجه با اینکه این مسائل در جامعه ظهور می کند و انجام می شود و تقاضای زیادی

هم ممکن است برای آن وجود داشته باشد و از طرف دیگر در مورد مسائل حقوقی و

تکالیف و وظایف حقوقی طرفین ابهام و پیچیدگی وجود دارد، اهمیت این تحقیق روشن

میشود.

۷- روش تحقیق و شیوه گرد آوری مطالب:

روش این تحقیق، روش تحلیل منطقی و استدلالی است. و روش اصلی گرد آوری

مطالب، روش کتابخانه ای است و همچنین استفاده از شبکه های اطلاعاتی کامپیوتری.

فصل دوم

تاریخچه تلقیح مصنوعی:

تلقیح مصنوعی به شکل علمی تقریباً موضوعی جدید است که توانستد مشکلات خانواده هایی را برطرف کند. تلقیح مصنوعی در ابتدا نژاد یا تکثیر نسل حیوانات مورد استفاده قرار گرفت و اولین آزمایش را در این مورد یک دانشمند آلمانی به نام Lud wig Jacobi در سال ۱۷۶۵ میلادی روی ماهی ها انجام داد. در نیمه اول قرن نوزدهم تلقیح مصنوعی روی ماریان و گاو وگوسفند انجام شد و نتیجه مثبت حاصل گردید. در اواخر قرن نوزدهم یکی از دانشمندان روسی به نام Elie Ivenoff تلقیح مصنوعی را در چهار پایان با متدی خاص معمول ساخت که بعدها آن روش به طور گسترده مورد عمل قرار گرفت.

با پیشرفت صنایع و فنون، دامنه تلقیح مصنوعی به انسان نیز سرایت نمود. تکنیک های جدید تلقیح مصنوعی در امر توالد موجود انسانی به کار گرفته شد و دنباله آزمایش ها روی انسان انجام پذیرفت. یک پزشک انگلیسی در سال ۱۷۹۹ گزارش در این زمینه به دولت انگلستان داده است که گزارش مزبور مضبوط است.^۱ یکی از پزشکان فرانسوی در سال ۱۸۶۸ میلادی طی گزارش خود خاطر نشان ساخته است که در فرانسه ده مورد

تلقیح مصنوعی در روی زن ها انجام شده و قدیمی ترین آنها را مربوط به سال ۱۸۳۸ دانسته است.^۲

در ایالات متحده امریکا دکتر Marion Sins اولین آزمایش خود را در سال ۱۸۶۶ میلادی در بیمارستان زنان نیویورک سیتی به مرحله اجرا در آورد.

از سال ۱۹۱۴ به بعد تقریباً موضوع تلقیح مصنوعی کاملاً توجه علماء و پزشکان را به

خود جلب کرد. در سال ۱۹۱۴ میلادی یکی از اطباء انگلیسی مقیم مصر موسوم به دکتر جامسیون شنیده بود که در میان بدویان طریقه ای برای معالجه زنان عقیم وجود دارد که

گاه منجر به آبستن شدن زنها می شود و گاهی این گونه زنان می میرند. این اتفاق نظر

پزشک انگلیسی را به خود جلب کرد و در اثر بررسیهای فراوان، دریافت که زنان بدوی

به قطعه ای از پشم حیوانات افسون می خوانند و آن را به زن نازا می دهند تا به رحم

خود بمالد و معتقد بودند که زن با این روش حامله شود یا خواهد مرد.^۳ این

پزشک با تحقیقات بیشتر سرانجام دریافت که زنان بدوی پشم را به نطفه مردان آغشته

کرده و سپس آن را به زن عقیم می دهند تا آن را استعمال نماید که علاوه بر نطفه مقدار

زیادی از میکروب های مضر موجود در پشم وارد رحم زن می گردید و اگر زن دارای

بنیه قوی می بود در مقابل میکروبهها مقاومت می کرد و الا از پا در می آمد و می مرد.

()

()

دکتر جامسیون پس از خاتمه جنگ جهانی اول به انگلستان مراجعت کرد و به خاطر او چنین رسید که به وسیله تلقیح مصنوعی و از راه صحیح علمی هزاران زن را که آرزوی مادر شدن داشتند بارور کند و به وسیله آلات مصنوعی و لوله آزمایش نطفه مرد را به رحم زن منتقل نماید. کم کم تلقیح مصنوعی در انگلستان رواج پیدا کرد و البته اعتراضاتی را هم به دنبال داشت با وجود اعتراضات مذکور از تلقیح مصنوعی جلوگیری نشد و امروزه در انگلستان اطفال ناشی از تلقیح مصنوعی به طور چشم گیر مشاهده می گردند.

در ایتالیا و در شهر واتیکان پاپ رهبر کاتولیک های جهان تلقیح مصنوعی را تحریم کرد. ولی بعضی از کشورهای اروپائی و امریکائی تلقیح مصنوعی را مباح دانسته اند.^۱ در حقوق اسلام بحث تلقیح مصنوعی سابقه ندارد ولی مصادیقی وجود دارد که با تلقیح مصنوعی مشابهت دارد. از جمله احادیثی که در این زمینه وجود دارد مربوط به مسأله^۱ است که به طور خلاصه مفاد حدیث چنین است که ابا جعفر و ابا عبدالله علیهما السلام می گفتند حضرت امام حسن در مجلس پدرش حضرت علی (ع) حضور داشت که عده ای وارد شدند و می خواستند مسأله را از حضرت علی (ع) سؤال کنند. بعلت عدم حضور آن حضرت در مجلس مسأله در نزد امام حسن (ع) مطرح گردید و آن مسأله چنین بود که مردی با زن خود جماع کرده است و زن در همان حالت با دختر با کره ای

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

مساحقه نموده و در نتیجه این عمل نطفه از رحم زن وارد رحم دختر گردیده و دختر

حامله شده است. تکلیف چیست؟

حضرت امام حسن(ع) فرمودند که مهر دختر باکره را از زن باید گرفت و به دختر داد

زیرا طفل حاصل از این مساحقه از رحم دختر خارج نخواهد شد مگر با ازاله بکارت

وی سپس زن را چون محصنه بوده است باید رجم کرد و پس از آنکه طفل متولد گردید

باید این طفل به صاحب نطفه تحویل شود و دختر مزبور را باید تازیانه زد.

فصل سوم

تلقیح مصنوعی

طبق تعریف تلقیح مصنوعی می توان آن را به اقسامی تقسیم کرد:

۱- تلقیح اسپرم مرد به همسرش

۲- تلقیح اسپرم مرد بیگانه به زن

مبحث اول- تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر

ممکن است در مواردی با وجود اینکه مرد توانایی ساختن نطفه کامل را دارد یعنی اسپر

ماتوروئید مرد قابلیت و توانایی بارور ساختن تخمک را دارد ولی به دلیل از جمله عنن

یا انزال سریع و یا عیوب مجازی آلات تناسلی مرد و یا عدم قدرت جذب دستگاه

تناسلی زن امکان ترکیب شدن نطفه مرد و زن از راه طبیعی وجود ندارد و در نزدیکی

طبیعی جریان تلقیح به درستی انجام نمی شود. به همین دلایل می توان از تلقیح

مصنوعی استفاده کرد جهت رفع این مشکلات

گفتار نخست-جواز یا حرمت تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر

در مورد این مسئله در قانون ایران، حکمی مشاهده نمی شود. ولی با توجه به اصاله

الاباحد می توانیم بگوئیم که این مورد مشکلی ندارد از نظر شرعی و قانونی .

نسب طفل ناشی از این تلقیح به پدر و مادر خود منتسب می شود و همه آثار نسب قانونی و شرعی هم بر این طفل بار می شود مواد مربوط به نسب در قانون مدنی که مواد ۱۱۵۸ و ۱۱۵۹ هستند، نزدیکی و واقعه را بیان کرده اند چون راه طبیعی انعقاد نطفه، نزدیکی است والا خصوصیتی در واقعه و نزدیکی وجود ندارد که تنها معیار ایجاد نسب قانونی و شرعی باشد. در مورد این موضوع اکثر فقها و حقوقدانان معاصر آن را جایز می دانند و تنها عده کمی از فقها هستند که نظر به عدم جواز آن دارند. و از نظر حکم وضعی این مورد هم اکثر حقوقدانان و فقها نسب این طفل را صحیح دانسته و آن را به زوجین ملحق می دانند. البته با تأکید بر این نکته که در جریان این روز باید از کارها و

اعمال خلاف ضوابط شرعی و عفت خانواده جلوگیری شود.

در ذیل نظرات چند تن از فقها و حقوقدانان آورده می شود:

« عده ای از فقهاء معاصر در خصوص جواز یا حرمت تلقیح چنین می گویند: (ان كان

التلقيح بماء الرجل لزوجته - كان ذلك عملاً مشروعاً علی ما استتف علیه)

آیت .. گلپایگانی عقیده دارند که :

بر حسب مستفاد از ادله شرعیه، نطفه مرد به هر نحو در رحم حلیله خود قرار بگیرد

جایز است و اولاد ملحق به مرد و حلیله است. و توارث از طرفین ثابت است.

طبق عقیده مزبور اولاً تلقیح مصنوعی با اسپرماتوزوئید شوهر شرعاً جایز است. ثانیاً طفل متولد از این تلقیح به زوجین ملحق می شود. ثالثاً توارث بین طفل و زوجین ثابت است و از هر حیث طفل مزبور با طفل حاصل از نزدیکی یکسان بوده و فرقی بین آنها وجود ندارد.^۱ آقای دکتر امامی معتقدند که :

« طفل متولد از لقاح مصنوعی از منی شوهر قانونی است و نزدیکی تأثیری در نسبت قانونی ندارد.^۲»

حضرت آیت ا... شیخ یوسف صانعی در مورد تلقیح مصنوعی چنین اظهار نظر فرمودند:

« باردار نمودن مصنوعی زن به نطفه شوهر جایز است، البته باید از مقدمات حرام پرهیز شود. مثل آنکه تلقیح کننده نامحرم نباشد و... هرچند اینگونه اعمال موجب حرام شدن نطفه و فرزند نمی باشد چون مربوط به مقدمات است و خود مقدمات حرام است و فرزند متعلق به زن و مرد صاحب نطفه می باشد و همه احکام فرزند را دارا است.^۳»

البته در مقابل نظرات ابراز شده در صفحات قبل، عده ای از فقها لقاح مصنوعی را اصولاً جایز نمی دانند و آن را غیر مشروع می دانند. و استدلال آنها هم این است که در شرع مقدس امر فروج، مسئله مهمی است و تأکید فراوانی برای حفظ آن در شرع شده است از جمله آیه ۳۰ سوره نور که می فرماید: «قل للمومنات یغضن من ابصارهن و یحفظن

فروجهن» خدا فرموده که زنان فروج خود را حفظ کنند و در این آیه متعلق ذکر نشده و

نگفته که از چه چیز حفظ کنند و اختصاص به نزدیکی و مقاربت نداده است.

و در علم اصول هم اجماع وجود دارد که هر گاه متعلق ذکر نشود، افاده عموم می کند یعنی از هر چیزی حفظ کن.

مرحوم حضرت آیت ا... میلانی معتقد به عدم جواز تلقیح مصنوعی بوده ولی طفل حاصل از آن را به صاحب نطفه ملحق می دانند.^۱

مرحوم حضرت آیت ا... بروجردی قدس سره شریف تلقیح مصنوعی منی زوج به زوجه را محل تأمل و اشکال می دانستند.^۲

در مجموع به این نتیجه می رسیم که طفل متولد از تلقیح مصنوعی زن با اسپرم شوهر به زوجین ملحق می شود و این طفل از هر جهت حاصل از نزدیکی طبیعی فرقی ندارد.

نزدیکی جنسی هم که در موارد ۱۱۵۸ و ۱۱۵۹ ق.م ذکر شده است به این دلیل است که نزدیکی فرد شایع ایجاد جنین است و خصوصیتی در نزدیکی وجود ندارد که آن را تنها

راه تحقق نسب مشروع و طبیعی بدانیم. پس طفل حاصل از تلقیح مصنوعی زن با اسپرم شوهر، نسب مشروع دارد و به زوجین ملحق می شود و اینکه شوهر تلقیح را انجام دهد

یا شخص ثالث تأثیری در نسب مشروع طفل ندارد و همچنین اینکه طرفین آگاه به این

عمل باشند یا خیر باز هم تأثیری ندارد و همه آثار نسب مشروع بر این طفل بار می شود.

گفتار دوم- آثار مالی و غیر مالی نسب ناشی از تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر

بند اول- آثار مالی

الف) توارث

توارث از باب تفاعل به معنای ارث بردن از یکدیگر است. طبق ماده ۸۶۱ قانون مدنی که می گوید «موجبات ارث دو امر است: نسب و سبب»، نسب یکی از موارد تحقق توارث است و طفلی که نسب مشروع دارد ارث می برد از اقوام و از اوهم ارث برده می شود به شرط تحقق موجبات ارث.

شرط وراثت در ماده ۸۷۵ قانون مدنی ذکر شده و آن عبارت از این است که در حین فوت مورث، وارث زنده باشد و اگر حمل است نطفه او حین الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود اگر چه فوراً پس از تولد بمیرد.

در مورد مسأله ما هم اگر اسپرم شوهر قبل از فوت با تخمک زن ترکیب شود و نطفه تشکیل شود در این صورت اگر زنده هم متولد شود همچون فرزند حاصل از نزدیکی طبیعی ارث می برد ولی اگر بعد از فوت شوهر نطفه تشکیل شود، در این صورت فرزند حاصل از لقاح مصنوعی از پدر خود ارث نخواهد برد. و دلیل آن هم این است که به

محض فوت شخصی، قهراً و بلافاصله ماترک او به ورثه موجود انتقال پیدا می کند و

اسپرم بدون ترکیب با تخمک حمل نیست که بگوئیم ارث می برد.

ولی این ماده و این استدلال جای بحث و بررسی بیشتری دارد و این مسئله قراردادی را

می توان متناسب با نیازهای جامعه و مسائل جدید تغییر داد.

(ب) نفقه

طبق ماده ۱۱۹۶ قانون مدنی، فقط اقارب نسبی در خط عمودی اعم از صعودی یا نزولی

ملزم به انفاق یکدیگرند.

فرزند ناشی از تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر همچون فرزند ناشی از نزدیکی زن و

شوهر شرایط داشتن حق نفقه را دارد.

(ج) سایر روابط مالی

در مورد این موارد هم مثل هزینه آموزش و پرورش و حضانت و تربیت کودک، این

طفل همچون طفل ناشی از نزدیکی زوجین باید در این موارد هم تأمین شود و این

هزینه ها در صورت حیات پدر بر عهده او و در صورت فوت پدر بر عهده مادر است و

پدر یا جد پدری به عنوان ولی قهری موظفند فرزند ناشی از تلقیح مصنوعی را

نگاهداری و اموال او را محافظت نمایند.

بند دوم- آثار غیر مالی

الف) حرمت نکاح

طفل ناشی از تلقیح مصنوعی در این مورد هم مثل کودک ناشی از مواجهه است و تمام آثار نسب مشروع بر او بار می شود و طبق ماده ۱۰۴۵ قانون مدنی نمی تواند با پدر و اجداد و مادر و جدات هر قدر که بالا رود و با اولاد هر قدر که پایین رود و با برادر و خواهر و اولاد آنها هر قدر که پایین رود و همچنین با عمات و خالات خود و عمات و خالات پدر و مادر و اجداد و جدات ازدواج کند.

ب) حضانت

در مورد حضانت هم فرزند ناشی از لقاح مصنوعی با فرزند ناشی از مواجهه تفاوتی ندارد و حضانت به معنای نگاهداری اطفال از جهت جسمی و روحی و تربیتی است و طبق مواد ۱۱۶۸ و ۱۱۷۹ نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوبین است و در صورت فوت یکی از ابوبین حضانت طفل با آنکه زنده است خواهد بود هر چند متوفی پدر طفل بوده و برای او قیم معین کرده باشد. هیچ یک از ابوبین حق ندارند در مدتی که حضانت طفل بر عهده آنهاست از نگاهداری امتناع کند

ج) تربیت

تربیت در لفظ به معنای پروردن و پروراندن و آموختن آداب و اخلاق و پرورش روح و جسم است و در اصطلاح حقوقی به معنای پرورش روحی و اخلاقی یا معنوی اطفال به کار رفته است!

در حقوق اسلام به امر تربیت اهمیت فوق العاده ای داده شده و یکی از وظایف مهم والدین تربیت فرزندان عنوان شده است. مواد ۱۱۰۴ و ۱۱۷۸ قانون مدنی به این امر پرداخته اند.

د) ولایت

ولایت ر لغت به معنی حکومت کردن است و همچنین به معنای دوست داشتن، یاری دادن و تصرف کردن و تسلط پیدا کردن آمده است.

قهری در لغت به معنای جبری و اضطراری است. ولایت در اصطلاح حقوقی و حقوق مدنی عبارت از قدرت و اختیاری است که برابر قانون به یک شخص ذیصلاح برای اداره امور محجور و اگذار شده است که اقسامی دارد: ۱- ممکن است به حکم مستقیم

قانون باشد ۲- به موجب وصایت ۳- به حکم دادگاه (ولایت قیومت^۱)

ولایتی که به حکم مستقیم قانون باشد ولایت قهری نامیده می شود. یکی از آثار نسب مشروع هم ولایت قهری است و چون فرزند ناشی از تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر

هم دارای نسب مشروع است ولایت قهری این طفل با ولایت طفل ناشی از واقعه تفاوتی ندارد.

طفل ناشی از تلقیح مصنوعی نیز تا زمانی که به سن بلوغ و رشد برسد تحت ولایت قهری پدر و جد پدری است و اگر بعد از بلوغ معلوم شود که این کودک غیر رشید است یا دارای جنون می باشد و سفه یا جنون وی به زمان صغر اتصال دارد تحت ولایت پدر و جد پدری است.

مبحث دوم- تلقیح مصنوعی با اسپرم بیگانه

ممکن است در مواردی نطفه شوهر قدرت بارور کردن زوجه را نداشته باشد بنابر عللی و در اینصورت است که از روش تلقیح مصنوعی با اسپرم شخص ثالث استفاده می شود. گفتار نخست- وضع حقوقی- فقهی (جواز یا حرمت) تلقیح مصنوعی با اسپرم بیگانه در مورد تلقیح مصنوعی با اسپرم بیگانه در حقوق ایران سکوت وجود دارد و به دلیل این سکوت برابر اصل ۱۶۷ قانون اساسی باید به فتاوی معتبر و آراء فقها رجوع کنیم و بحث مستقلاً در فقه در اینخصوص به دلیل جدید بودن مسأله وجود ندارد ولی آرائی از فقها در این مورد صادر شده است که در کل به نظر می رسد نظر اجماعی وجود ندارد ولی مخالفان بسیاری دارد. و البته شاید موافقانی هم داشته باشد.

گفتار دوم- دلایل مخالفان و موافقان این روش

۱- اطلاق و عموم پاره ای از آیات قرآن

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که به حفظ فرج توصیه شده است مثلاً در آیه ۳۰ سوره

نور آمده است: « قل للمؤمنات یغضضن می ابصارهن و یحفظن فروجهن»

و یا در آیه ۵ سوره مومنون و آیه ۷ این سوره هم به حفظ فرج توصیه شده است.

و مخالفان می گویند که در آیات مذکور خصوصاً آیه ۳۰ سوره نور متعلق حفظ بیان

نشده و عدم ذکر متعلق افاده عموم می کند و باید فرج را از هر چیزی حفظ کرد. خواه

ورود نطفه از طریق زنا و یا سایر اعمال نامشروع (تفخیز و مساحقه) باشد و یا به وسیله

آلات پزشکی ممکن است با توجه به آیه مذکور گفته شود اگر شوهر که محرم تمام بدن

زوجه خود است و یا خود زوجه عمل تلقیح را انجام و نطفه مرد اجنبی را در رحم قرار

دهد مشمول آیه مزبور نمی باشد. ولی در تفسیر این آیه نصوصی وارد شده است که

حرمت این عمل را کاملاً روشن می نماید و این نصوص آیات ۵ و ۶ و ۷ از سوره مؤمنون

است که می فرماید: «والذینهم لفروجهم حافظون الا علی ازواجهم غیر ملومین

فمن ابغی وراء ذالک فاولئک هم العادون»

و مخالفان با توجه به دلایل بالا نتیجه می گیرند که حفظ فرج از هر چیزی ملاک است و

زنان مسلمان باید فرج خود را از هر چیزی از جمله انواع تلقیح مصنوعی حفظ کنند و

ادخال نطفه مرد بیگانه به رحم زن مخالف با حفظ فرج است.

ولی موافقان این روش در پاسخ می گویند که متعلق حفظ فرج، حفظ از زنا و روابط نامشروع دیگر از جمله مساحقه و تفخیز می باشد و منظور این است که فروج را حفظ کنند و انگیزه بهره برداری جنسی در میان نباشد در حالیکه در تلقیح مصنوعی انگیزه چیز دیگری است و به دلیل رفع بعضی مشکلات، زن به این کار مبادرت می ورزد و انگیزه بهره برداری جنسی در این مورد منتضی است. پس نمی توانیم با تمسک به این آیات این روش را حرام بدانیم. گروهی هم بر این عقیده اند که مقصود از حفظ، تنها حفظ از نگاه دیگران است و درتأیید این دعا روایاتی بیان می شود که در تفسیر این آیه گفته شده است. به عنوان مثال روایتی از امام صادق (ع) که فرمود: « کل آیه فی القرآن

فی ذکر حفظ الفروج فهی من الزنا الا هذه الایه فانها من النظر^۱»

در کتب اهل سنت هم این نظر به چشم می خورد. پس این دیدگاه هم در شیعه و هم در سنت وجود دارد که منظور از حفظ در آیه ۳۰ سوره نور، حفظ از نگاه دیگران و پوشاندن فروج است و همین نظر این ادعا را که حذف متعلق، افاده عموم می کند را رد

می کند.

۲- اطلاق وم عموم پاره ای از روایات

مخالفان این روش به روایاتی نیز استناد کرده اند از جمله:

۱- خبر علی بن سالم از امام صادق که فرموده: «ان اشد الناس عذاباً يوم القيامة رجل

امر نطفته فی رحم یحرم علیه»

۲- خبر مرسل صدوق است که پیغمبر اسلام (ص) فرموده: «ان یعمل ابن آدم عملاً اعظم

عندنا... عز وجل قتل نبیاً و اماماً او هدم الکعبه التی جعلها الله قبله لعباده او أفرغ مائه فی

امراه حراماً»

مخالفان با توجه با این روایات اظهار نظر می کنند که قرارداد نطفه مرد به هر طریقی

در اندام تناسلی زن بیگانه، حرام است. خواه تزریق اسپرم منجر به حاملگی شود یا نشود.

بر اساس این اظهار نظر آنچه موضوع حرمت است قرارداد نطفه مرد بیگانه در رحم زن

است و روش ادخال هیچ خصوصیتی ندارد و بر این اساس حتی با رضایت زن و مرد

هم ممنوعیت بر طرف نمی شود!

ولی موافقان در مقابل این مباحث، دلایلی را ذکر می کنند از جمله اینکه در مورد بعضی

از این روایات سند آنها مورد اشکال است مثلاً روایت اول، را وی آن علی بن سالم مورد

اشکال واقع شده است. و دیگر اینکه موضوع این احادیث با موضوع بحث ما متفاوت

است و این احادیث به آمیزش نامشروع دلالت دارند ولی بحث ما چیز دیگری است.

۳- مقتضای قاعده احتیاط

در اسلام مسأله فرج امر مهمی است و به آن توجه خاص شده است و فقها هم با اینکه در موارد شک و جوب یا حرمت چیزی بر اجرای اصل اباحه و برائت اصرار دارند ولی در مورد این مسأله از این قاعده عدول کرده اند و به احتیاط روی آورده اند.

گفتار سوم- نسب ناشی از لقاح مصنوعی با اسپرم بیگانه

در این مورد دو فرض وجود دارد:

۱- در انجام عمل اشتباهی رخ داده باشد و اسپرم مرد اجنبی اشتبهاً در عمل تلقیح استفاده شده باشد و یا اینکه یکی از طرفین یا هر دو جاهل باشند به این عمل.

۲- لقاح مصنوعی با اسپرم بیگانه عملاً انجام گرفته باشد و این عمل چنانکه دیدیم از لحاظ حکم تکلیفی حرام است و در اینجا احکام وضعی آن را بررسی می کنیم.

بند اول- نسب ناشی از لقاح به شبهه با اسپرم اجنبی:

در این خصوص اگر یکی از طرفین یا هر دوی آنها نسبت به عمل در اشتباه باشند، طفل ناشی از عمل همچون طفل وطئ به شبهه می باشد و نسبت به طرفی که در اشتباه بوده

نسبتش صحیح است

م ۱۱۶۵ در این زمینه مقرر می دارد: « طفل متولد از نزدیکی به شبهه فقط ملحق به طرفی می شود که در اشتباه بوده اند ملحق به هر دو خواهد بود.

فقهاء امامیه نیز نسب ناشی از شبهه را همانند نسب ناشی از نکاح صحیح می دانند. از

مطالب گفته شده نتایجی بدست می آید:

۱- نسب چنین طفلی نسبت به هر کدام از زن و مرد که در اشتباه بوده اند از همانند

نسب صحیح است و اگر هر دو در اشتباه بوده اند طفل به هر دو ملحق می شود.

۲- صاحب اسپرم پدر و صاحب تخمک مادر طفل محسوب می گردند و از این حیث

تفاوتی نمی کند که زن و مرد مجرد یا متأهل باشند فزا نسب طفل به شوهر زن ملحق

نمی شود و با علم به لقاح به شبهه نمی توان به اماره فراش استناد نمود.

۳- طفل مزبور از پدر و مادر ارث می برد.

۴- حضانت طفل برابر قانون به عهده پدر و مادر می باشد.

۵- از حیث سایر احکام نظیر حرمت نکاح، محرمیت، نفقه و نیز در حکم طفل قانونی

و مشروع می باشد.

بند دوم- نسب طفل ناشی از لقاح عمدی با اسپرم غیر شوهر (اجنبی)

در خصوص این مورد و نسب چنین طفلی بین حقوقدانان و فقها وحدت نظر وجود

ندارد یعنی هم در بین گروه اول و هم در بین گروه دوم نسبت به این مسأله اختلاف نظر

وجود دارد. این اختلاف نظر در مورد آثار حقوقی طفل مذکور در حالی است که عموم

عماء حقوق و فقها قائل به حرمت لقاح با اسپرم مرد اجنبی هستند. در زیر نظرات

مخالفین اثبات نسبت و قائلین اثبات نسبت را مورد بررسی قرار می دهیم.

۱- قائلین به عدم ثبوت نسب

موضوع مورد بحث ما عبارت از لقاحی است که به طور قطع و یقین منشأ تکون و تولد طفل می گردد خواه زن حامل اسپرم مجرد و خواه دارای شوهر باشد، این توضیح برای آن است که موارد ذیل را از مسأله مورد بحث موضوعاً خارج کنیم تا جایی برای استناد به آماره فراش و نسب ناشی از شبهه نباشد:

اول موردی که اسپرم اجنبی به زنی که دارای شوهر قانونی است تزریق می شود و عادتاً نیز امکان باروری زن از شوهر خود معقول باشد. دوم موردی که اسپرم اجنبی به زن تلقیح شود و شوهر قانونی زن با او مقاربت نماید و احتمال تکون طفل از نطفه شوهر مجرد موجود باشد. سوم موردی که یکی از زن و مرد یا هر دوی آنها نسبت به لقاح جاهل باشند.

دکتر ناصر کاتوزیان ضمن بررسی موضوع قانون مدنی و مقایسه طفل ناشی از مساحقه با طفل ناشی از لقاح مزبور نسب این طفل را غیر قانونی می دانند ایشان می گویند:

« ۱- از ماده ۱۱۶۷ ق،م فهمیده نمی شود که فقط زنا علت نا مشروع بودن نسب است و فرزند طبیعی را در سایر موارد باید ملحق به پدر و مادر شناخت:

این بحث در میان پیشینیان نیز وجود داشته است که در تمهید قاعده شناسایی نسب مشروع از چه اصلی باید پیروی کرد: آیا هر طفلی که از نظر طبیعی و خونی فرزند نامیده می شود از نظر حقوقی نیز این وصف را دارا است و تنها کودک ناشی از زنا در قوانین

استثناء شده است، یا نسب مشروع نیاز به علت مشروع دارد و آنچه ناشی از نکاح

درست یا نزدیکی به شبهه نباشد نامشروع اسن؟

موضوع قانون مدنی در این اختلاف به روشنی معلوم نیست، زیرا از سویی زیر عنوان

«نسب» به تفضیل از طفل ناشی از نکاح درست و نزدیکی به شبهه گفتگو می کند، در

حالی که اگر تمام فرزندان طبیعی، جز کودک ناشی از زنا، به پدر و مادر خود منسوب

می شدن، کافی بود تنها این استثنا بیان می شود و نیازی به اماره فراش و چگونگی

الحاق آن به شوهر یا به واطی شبهه احساس نمی شد ولی از سوی دیگر، در ماده

۱۱۶۷ تنها از عدم الحاق طفل متولد از زنا نام می برد و درمواقع ارث نیز بدون اینکه

اشاره ای به سایر فرزندان نامشروع کند، فرزند ناشی از زنا را در زمره وراث قرار نمی

دهد. با وجود این، درپس پرده ابهام، به خوبی روشن است که قانونگذار تنها فرزندی را

دارای نسب مشروع می داند که از راهی اخلاقی و مباح به وجود آمده باشد.

زنا شایعترین راه ایجاد فرزندی طبیعی است و به همین دلیل نیز به عنوان نمونه بارز

روابط نامشروع موضوع حکم قرار گرفته است. سکوت قانونگذار درباره فرزند ناشی از

سایر تماسهای بدنی زن و مرد بیگانه بدین مفهوم نیست که از این راهها می توان نسب

مشروع به وجود آورد و در زنا خصوصیتی است که مانع الحاق به پدر و مادر طبیعی می

شود. پس برای رعایت همین فلسفه باید همه تماس های نامشروع را در حکم زنا

شمرد و نسب مشروع را ویژه نکاح و نزدیکی به شبهه دانست.

۲- قیاس تلقیح مصنوعی با آنچه نسبت به مسأحه در فقه گفته شده درست نیست و از

آنچه فقها در این باره نوشته اند نمی توان مشروع بودن نسبی را که از تلقیح مصنوعی

عمدی بین دو بیگانه ناشی شده است استنباط کرد. و از استقراء در کتابهای فقه و مفاد

خبر مورد استناد بر می آید بنابراین نظر مشهور، کودک ناشی از این مسأحه به شوهر

زن می رسد ولی مادر حقی بر آن ندارد.

پس از این استنتاج، اکنون باید پرسیده شود که آیا چنان شباهتی بین الحاق طفل به

شوهر زن و اقدام پدر و مادر فرزندی که به عهده و در اثر تلقیح مصنوعی آن را ایجاد

کرده اند وجود دارد که بتوان از راه قیاس، مشروع بودن نسب طفل را با مبنای فتاوی

معتبر در فقه و روح قانون مدنی موافق دانست؟ به نظر می رسد که باید به این پرسش

پاسخ منفی داد، زیرا در فرض طرح شده شوهر با زن خود نزدیکی کرده و هیچ اراده و

اختیاری در انتقال نطفه به دیگری نداشته است، پس اقدام او بیشتر به شبهه می ماند و

خالی از هرگونه شایبه تجاوز به قانون است. آنچه به تلقیح مصنوعی شباهت دارد کار نا

مشروع دختر است که مشهور فقها با انتساب طفل به او مخالفت کرده اند»

بعضی از نویسندگان حقوقی با توجه به شرایط زنا در فقه و تعریف زنا در قانون جزا،

لقاح با اسپرم غیر شوهر را زنا نمی دانند، هر چند که این نوع لقاح را به لحاظ حکم

تکلیفی غیر جایز و حرام می شمارند. و بعضی از فقها هم هر چند صراحتاً این نوع از

لقاح را زنا یا در حکم زنا نمی دانند، ولی معتقدند که تولد در باید در قالب ازدواج و

روابط زناشویی صورت بگیرد. ذیلاً به نقل پاره ای از این نظرات می پردازیم:

۱- آیت... بروجردی « آنچه از مفاهیم ادله و بعضی مناطق آنها مستفاد می شود، این

است که تلقیح مصنوعی اجنبیه بر مرأه اجنبیه خواه دارای زوج باشد یا نباشد حرام

است و در بعضی صور آن احکام ولد زنا ثابت است و در بعضی صور احکام ولد

شبهه^۱»

۲- آیت... خمینی : «...اگر با علم به اینکه اسپرم متعلق به بیگانه است عملاً زن را آبستن

کنند، در ملحق شدن نوزاد به صاحب نطفه اشکال است، اگر چه شبهه این است که به

صاحب نطفه ملحق شود، ولی مسأله مشکل است و باید در آن احتیاط کرد^۱»

۲- قادلین به ثبوت نسب

چنانکه گفتیم علی رغم اینکه عموم فقهاء و علماء علم حقوق، لقاح با اسپرم مرد اجنبی

را جایز نمی دانند، مع الوصف از لحاظ وضعیت حقوقی فرزندی که در اثر این تلقیح

قدم به عرصه وجود می گذارد اختلاف نظر وجود دارد. صاحبان این نظر (قائل به ثبوت

نسب) می گویند که هر فرزند طبیعی، قانونی است مگر آنکه قانون تصریح به خلاف آن

کرده باشد و در این مورد فقط در مورد طفل ناشی از زنا نا تصریح داریم که ولد ناشی

از زنا به زانی ملحق نمی شود. و طبق ماده ۱۱۶۷ ق.م فقط طفل متولد از زنا به پدر و

مارد طبیعی ملحق نمی شود و تلقیح مصنوعی زنا نیست تا ملحق به پدر و مادر نشود.

چون تعریف زنا که درم ۶۳ ق.م.ا آمده چنین است: زنا عبارت است از جماع مرد با زنی

که بر او م ذاتاً حرام است اگر چه در دبر باشد در غیر موارد و طی به شبهه.

در فقد نیز زنا چنین تعریف شده است: «تتحقق الزنا الموجب الحد با دخال الانسان ذکره

الاصلی فی فرج امداء محرمة علیه اصاله من غیر نکاح...»^۲.

بدین ترتیب حقوقدانان بسبب مشروع و قانونی این طفل را به رسمیت می شناسند.

و بعضی از فقها هم می گویند که حدیث و للعاهد الحجر متص زانی است و تلقیح

مصنوعی زنا محسوب نمی شود و طفل حاصله به ماد و صحب ماء ملحق می شود.

آیت ا... مومنی می فرمایند: «اگر تلقیح عمدی باشد چنان که دانستید حرام است، لکن

با این وجود تردیدی نیست که حرمت در صدق عناوین نسبی تأثیری ندارد، زیرا صدق

این عناوین بر اساس وجود ارتباط تکوینی میان صاحب منی و کودک استوار است، بدین

ترتیب که نطفه این کودک از آب او تشکیل شده باشد، بر این اساس عناوین بر کودک

صدق می کند و احکام نسبی شامل حال او می شود.»^۳

درخاتمه این بحث لازم است با تأمل در مطالبی که بیان شد به طور مختصر رابطه طفل

با افراد ذیل را مورد بررسی قرار دهیم:

...

....

الف) رابطه طفل با زوج (شوهر زن)

از آنجا که شوهر زن نقشی در تکون و تولد نوزاد ندارد، هیچ رابطه ای بین او و طفل مزبور نیز وجود ندارد و نسب طفل به او ملحق نمی گردد.

ممکن است سؤال شود که با استناد به آماره فراش باید حکم به الحاق طفل به زوج نمود؟

در جواب می توان گفت همانگونه که در بررسی آماره فراش گفتیم این قاعده برای استفاده در مقام شک و ظن است و این امر از مفاد قاعده فراش و خصوصاً احادیثی که از پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) نقل گردید. استفاده می شود.

آیت... اراکی نیز در جواب مسأله ای در این رابطه همین نظر را تأیید می نمایند:

«س- زنی که شوهرش به اتفاق نظر دکترا عقیم است با مرد اجنبی رابطه نا مشروع داشته و حمل برداشته، اینک زانی منکر و لد است، آیا به قاعده «الولد للفراش» ولد ملحق به زوج است؟

ج- قاعده فراش در صورت شک است، پس اگر از گفته دکترا اطمینان و علم حاصل شود ملحق به او نیست و اگر احتمال الحاق باشد، ملحق می شود.»

پس معلوم می گردد که اجرای آماره فراش در مقام شک است، درحالی که مادر ابتدای این بحث تصریح نمودیم که در فرض مورد بحث مبنا را بر این قرار می دهیم که یقین و

علم داریم که در اثر این لقاح متولد شده است و هیچ شک و شبهه ای نیز وجود ندارد.

حاصل کلام اینکه طفل به زوج (شوهر زن) ملحق نمی شود و در این رابطه اختلافی

بین قائلین به ثبوت و عدم ثبوت نسب طفل مزبور وجود ندارد و همینطور تفاوتی نمی

کند که طفل به روش لقاح درون رحمیتولد شده باشد یا به روشلقاح خارج از رحم

(ب) رابطه طفل با زوجه (مادر)

از آنجا که تخمک زوجه یکی از عناصر تشکیل دهنده نطفه وم تکون طفل می باشد، وی

مادر طفل به حساب می آید. از دیدگاه گروهی که در لقاح با اسپرم اجنبی معتقد به عدم

ثبوت نسب هستند. چنانچه اسپرم در رحم زن تزریق شود، نسب ثابت نمی باشد ولی

اگر لقاح به صورت خارج از رحم انجام پذیرد، خواه بعد از انعقاد نطفه مجدداً در داخل

رحم کاشته شود و یا در داخل لولههای آزمایشگاهی (رحم مصنوعی) رشد نماید، مسأله

مورد اختلاف است، گروهی نسب را ثابت نمی دانند، چرا که نطفه از ترکیب عنائری

تشکیل شده است که میان صاحبان آن رابطه زوجیت وجود ندارد و گروهی نسب طفل

مذکور و به روش لقاح خارج از رحم را صحیح می دانند و در این زمینه معتقدند که

چون رحم زن دخالتی در تکون و انعقاد نطفه ندارد، هیچ دلیلی بر عدم ثبوت نسب

وجود ندارد، و آن را نمی توان زنا دانست و همچنین مصداق « افرغ الماء فی الرحم

الأجنبیه» نیز واقع نمی شود.

(ج) رابطه طفل با صاحب آب (مردی که اسپرم متعلق به اوست)

**جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید**

این مسأله نیز همانند مورد قبل است، یعنی از دیدگاه قائلین به عدم ثبوت نسب، در روش تلقیح درون رحمی، اجمالاً طفل به صاحب اسپرم ملحق نمی شود چراکه این عمل را زنا در حکم زنا می دانند. ولی در روش تلقیح خارج از رحم مسأله مورد اختلاف است عده ای از این گروه با توجه به عدم دخلت رحم در تکون نطفه، طفل را به صاحب آب ملحق می دانند. بر مبنای استدلالات قائلین به ثبوت نسب، این طفل در هر صورتی به صاحب آب ملحق می شود، چرا که این عمل را نمی توان زنا دانست و به علاوه حرمت عمل مزبور در صدق عناوین نسبی مداخلت ندارد.

فصل چهارم

مادر جانشین

یکی دیگر از روشهای نوین باروری استفاده از روشمادر جانشین یا رحم اجاره ای است. این روش در مواردی که مشکلاتی وجود دارد که مانع از فرزند دار شدن به روش طبیعی می شود مورد استفاده قرار می گیرد. مثلاً زنی ممکن است مبتلا به دیابت یا تالاسمی شدید باشد و یا از نظر جسمانی توانایی تحمل جنین در طی ۹ ماه را ندارد و جنین سقط می شود و یا از نظر روانی فکر می کند که اصلاً توانایی بار داری را ندارد.

مبحث اول - قرار داد مادر جانشین

گفتار اول - تعریف قرارداد مادر جانشین:

قراردادی که به موجب آن یک زن (مادر جانشین) در مقابل یک زوج ازدواج کرده موافقت کرده موافقت می کند که جنینی را برای آنها حمل کرده، بچه را به دنیا آورده و او را به مجرد تولد به آن زوج تسلیم نماید که آنها بچه را مثل فرزند خودشان بزرگ کنند!

گفتار دوم - نظرات مخالفان و موافقان

موافقان می گویند که نعمت فرزند دار شدن حق زوجین است و نداشتن فرزند می تواند

آثار زیانباری بر خانواده ها داشته باشد و نمی توانیم مانع تلاش زوجین برای فرزند دار

شدن شویم.

و مخالفان می گویند که این قراردادها در واقع جسم انسان را مورد مبادله قرار می دهد و

باعث از بین رفتن حمت جسم انسانها است. و عمل انتقال جنین مستلزم اختلاط و افساد

نسب ها است.

مبحث دوم- وضعیت فقهی حالت مادر جانشین

برای تبیین مسأله در فروض مختلف آن را بررسی می کنیم:

۱- لقاح داخل رحمی ۲- لقاح خارج رحمی

گفتار اول- لقاح داخل رحمی

بند اول- حالت جانشین در بارداری

در این مورد هم لقاح و هم رشد جنین در داخل لوله رحم انجام می گیرد و اسپرم شوهر

و تخمک همسر او تهیه می شود و همراه با هم بدون اینکه ترکیب شوند وارد لوله رحم

مادر جانشین می شوند.

که این روش را به چند مرحله تجزیه می کنیم:

۱- در مرحله اول اسپرم شوهر و تخمک زن که وارد لوله رحم مادر جانشین شده اند باهم امتزاج می یابند که نفس این عمل بلا اشکال است و تخمک زن با اسپرم شوهرش بارور می شود.

۲- ترزریق تخمک به رحم مادر جانشین: در این مورد اگر آیات مربوط به حفظ فرج را مورد نظر قرار دهیم این آیات عمومیت دارند و تعیین مصداق نکرده اند و آنان که با توجه به این آیات منع تلقیح مصنوعی با اسپرم بیگانه را نتیجه گرفته اند در مورد ترزریق تخمک زنی به رحم زن دیگر هم باید چنین نظر دهند و از طرف دیگر روایاتی را که در این مورد می توان بررسی کرد اگر مورد توجه قرار دهیم می فهمیم که لحن صریح این روایات مربوط به ادخال اسپرم مرد به رحم زن بیگانه است و در این روایات هیچ قرینه ای مبنی بر تعمیم وجود ندارد.

و در مورد قاعده احتیاط هم که در فرض احتیاط تلقیح مصنوعی با اسپرم بیگانه مورد توجه قرار گرفت در اینجا نمی تواند کارایی داشته باشد چون منظور احتیاط در اختلاط میاه و انساب می باشد که شامل این مورد نمی شود پس تنها دلیل برای منع ترزریق تخمک زنی به زن دیگر عام بودن آیات است و دلایل دیگر نمی تواند مورد استناد قرار بگیرد.

۴- فراهم ساختن زمینه لقاح اسپرم و تخمک متعلق به زن و شوهر در رحم ثالث.

در این مورد اگر بگوئیم ملاک آیات منع ادخال اسپرم مرد به رحم زن بیگانه، حفظ نسب و تعیین پدر و مادر طفل متولد شده است می توانیم بگوئیم این مورد را در بر نمی گیرد

چون لقاح بین اسپرم و تخمک زن و شوهر حاصل می شود

بند دوم- حالت جانشینی با باروری مصنوعی

در این حالت اسپرم مرد (پدر حکمی) با تخمک مادر جانشین در داخل لوله رحم

ترکیب می شود. این فرض مثل تلقیح مصنوعی زن با اسپرم بیگانه است که قبلاً راجع به

آن صحبت شد.

گفتار دوم- لقاح خارجی رحمی

در این مورد لقاح بین اسپرم و تخمک در خارج از رحم صورت می گیرد و جنین به

رحم منتقل می شود این مورد شامل دو فرض می شود:

۱- فراهم کردن زمینه لقاح بین اسپرم و تخمک در آزمایشگاه

۲- انتقال جنین تشکیل شده به رحم مادر جانشین

بند اول- فراهم کردن زمینه لقاح بین اسپرم و تخمک در آزمایشگاه

الف) حالت جانشینی در بارداری

در این حالت چون لقاح بین اسپرم و تخمک زن و شوهر در محیط آزمایشگاه اتفاق می

افتد مشکلی بروز نمی کند.

ب) حالت جانشینی با باروری مصنوعی

در این حالت لقاح بین اسپرم و تخمک زن و مرد بیگانه صورت می گیرد در محیط آزمایشگاه و در مورد اینکه نفس ترکیب اسپرم زن و مردی بیگانه آیا جایز است یا خیر نکاتی بیان می شود:

به نظر می رسد آیات و روایات مربوط به حفظ فروج ربطی به این موضوع نداشته باشند چون این ترکیب مربوط به محیط آزمایشگاه است نه فروج مرد و زن و همچنین در بین فقها هم اظهار نظر صریحی تاکنون در این مورد انجام نشده است. و تنها در اعلام نظر مجمع فقه اهل البیت که متشکل از چندین فقیه خوره های علمیه می باشد چنین عملی خلاف احتیاط اعلام شده است. دکتر میر قاسم جعفرزاده می گوید:

ممکن است احتیاط مزبور استحبایی باشد زیرا دلیلی بر وجوب احتیاط مشاهده نمی شود!

بند دوم- انتقال جنین تشکیل شده به رحم مادر جانشین :

در این مورد تخمک بارور شده به لوله رحم منتقل می شود. با ملاحظه منابع فقهی در این مورد به این نتیجه می رسیم که این منابع در مورد اسپرم مرد است و شامل انتقال جنین به رحم نمی شود.

با توجه به منابع فقهی می توان دریافت که واژه نطفه در استعمالات قرآنی و روایی مربوط به اسپرم مردان و یا حد اکثر تخمک زنان است و مربوط به جنین یا تخمک بارور

شده نمی شود. بدین ترتیب ممنوعیت ادخان نطفه که در آیات و روایات مورد بحث قرار گرفته شامل انتقال جنین (تخمک بارور شده) به رحم زن نمی شود و بنابراین انتقال جنین به رحم زن بلا اشکال و بلا مانع است.

مبحث سوم- نسب در حالت مادر جانشین

در مورد مادر جانشین ممکن است گفته شود هر چند زنا نیست ولی فاقد نسب است. در پاسخ می توان گفت: کسانی که در ولدازیا قائل به نسب شرعی نیستند به دو چیز استناد می کنند:

۱- اجماع ۲- حدیث فراش

در مورد اجماع، صاحب جواهر به اجماع محصل و منقول استناد می کند و مشخص است که اجماع محصل صاحب جواهر نسبت به ما اجماع منقول است. پس ما اجماع محصل نداریم، مدرک این اجماع کنندگان هم حدیث فراش است. پس اعتبار این اجماع به اندازه اعتبار به اندازه اعتبار حدیث فراش است. از طرف دیگر اجماع چه محصل و منقول وقتی حجت است که کاشف از قول معصوم باشد وگرنه خود اعتباری ندارد و احراز کشف برای ما غیر ممکن است. از بیانات فقها هم که بر عدم توارث در زنا اجماع کرده اند نمی توانیم نفی نسب را استنباط کنیم اگر چه بعضی از آنها بعد از نفی توارث، نسب را نیز نفی کرده اند ولی نمی توانیم بگوئیم همه آنها نسب را نفی کرده اند. در

مورد حدیث فراش هم اگر چه از حیث سند مشکلی ندارد ولی از جهت دلالت مشکل دارد. چون این حدیث در مواردی است که تردید وجود داشته باشد در الحاق طفل به فراش یا به زانی. یعنی امکان الحاق به هر دو وجود دارد ولی ما تردید داریم و در اینجا است که به فراش ملحق می شود ولی اگر بنابر دلایلی امکان الحاق به فراش وجود نداشته باشد نمی توانیم بگوئیم الولد للفراش. و به همین دلیل یک نظر می گوید که در زنا نسب نفی نشده است

پس نتیجه می گیریم که دلایلی که برای نفی نسب در زنا ذکر شده حتی در مورد زنا هم قابل مناقشه است چه رسد به این مورد که بگوئیم در مادر جانشین هم نفی نسب وجود دارد و نسب فقط در مورد نکاح صحیح و یا به شبهه است. پس در مورد مادر جانشین با توجه به اینکه عده ای از فقها حتی در مورد زنا هم اصرار بر الحاق طفل به زانی و زاینه دارند می توانیم بگوئیم که نسب تحقق پیدا می کند. و در مورد قانونی بودن نسب هم با توجه به اینکه قانون فقط نسب ناشی از زنا را نپذیرفته می توان در این مورد حکم به تحقق نسب داد.

مبحث چهارم - مادر کیست؟

گفتار اول - حالت جانشینی در بارداری:

در این مورد نظرات مختلفی وجود دارد:

۱- مادر ژنتیکی و صاحب تخمک، مادر قانونی است.

۲- زن صاحب رحم (مادر جانشین)، مادر قانونی است.

۳- طفل دارای دو مادر قانونی است.

بر هر نظریه ای انتقاداتی وارد است که در اینجا مجال بحث آنها نیست. ولی به طور

خلاصه می توان گفت که حالت مادر جانشین مشکلاتی را خصوصاً در مورد اینکه مادر

قانونی چه کسی است ایجاد کرده و ملاک مشخص و ثابتی نمی توان به دست داد

و عرف هم که مبنای نظر است مبهم است چون هم گروه اول به استناد عرف کودک را

ملحق به صاحب تخمک می دانند و هم گروه دوم با استناد به عرف کودک را ملحق به

مادر جانشین می دانند و هم گروه سوم با استناد به عرف، کودک را ملحق به هر دو می

دانند. و قانون فقط می تواند تعیین کند که چه کسی حق حضانت بچه را دارد ولی نمی

تواند بگوید که در واقع چه کسی کودک را ایجاد کرده و در مواقع مادر است. و می توان

گفت که هر یک از این زنان نقشی جداگانه در تکون طفل داشته اند و مانعی ندارد که

طفل در آن واحد دارای دو رابط مادری باشد. چون این رابطه های در عالم اعتبار است.

گفتار دوم- حالت جانشینی با باروری مصنوعی

در این حالت، مادر جانشین جنین حاصل از ترکیب تخمک خودش با اسپرم پدر حکمی

راحمل می نماید. و به این ترتیب هم تخمک مربوط به مادر جانشین است و هم خودش

جنین را حمل می کند و در این مورد طفل ملحق به مادر جانشین است و مادر جانشین ،
مادر قانونی بچه است.

مبحث پنجم - آثار نسب

گفتار اول - حرمت نکاح

در حالت جانشینی با باروری مصنوعی پدر حکمی، پدر قانونی و مادر جانشین مادر
قانونی طفل محسوب می شوند و رابطه نسبی بین این دو و طفل محقق می شود و مادر
حکمی هیچ نوع ارتباطی با طفل ندارد لذا هیچ گونه رابطه ای بین او و طفل به وجود
نمی آید.

در حالت جانشینی در بارداری، پدر حکمی، پدر قانونی طفل است در حالی که در رابطه
با تعیین مادر قانونی گفتیم که نظرات متفاوت است. حال اگر بر این عقیده باشیم که
نسب بچه به صاحب اسپرم و تخمک می رسد و همانگونه که مرد به لحاظ نشأت
گرفتن طفل از اسپرم او پدر محسوب می شود، زن صاحب تخمک نیز مادر محسوب
است، آیا می توان به زنی که جنین را در شکم خود پرورش داده نیز عنوان مادری داد و
از نظر ممنوعیت نکاح حکم مادر رضاعی را بر او بار نمود،

از نظر قانونی می توان به کمک وحدت ملاک و یا به استناد مفهوم اولویت حکم قرابت
رضاعی را نسبت به باروری جانشینی جریان داد. و می توان گفت که قرابت مادر

جانشینی از حیث حرمت نکاح در حکم قرابت رضاعی است. این نتیجه در فرضی است که نسب بچه به صاحب تخمک و اسپرم می رسد. حال اگر بر عکس این فرض بگوئیم که مادر جانشین یعنی زن صاحب رحم را مادر طفل (مادر قانونی) بدانیم. باید بگوئیم که چون جنین از تخمک او به وجود آمده، از نظر ممنوعیت نکاح در حکم مادر قانونی طفل محسوب است و در نتیجه باید حکم به ممنوعیت نکاح بین او و طفل به دنیا آمده داد.

گفتار دوم - حضانت

در مورد حضانت برابر م ۱۱۶۸ ق.م. نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابویین است و به این دلیل بستگی دارد که مادر جانشین را مادر قانونی بدانیم یا مادر حکمی را. و دیدیم که اختلاف نظر وجود دارد و طفل به ناچار تحت حضانت والدین حکمی یا مادر جانشین قرار می گیرد و اگر نظریه سوم را که گفتیم طفل در این حالت دارای ۲ ماده قانونی است را تقویت کنیم باید بگوئیم که طفل در حالت جانشینی در بارداری دارای دو مادر قانونی می باشد و گفته شد که حضانت با مادر حکمی است. و یا ممکن است گفته شود که حضانت با مادر جانشین است. در هر حالت نکته ای که باید مد نظر قرار داد این است که هر یک از این ۳ نفر یعنی پدر حکمی و مادر حکمی و مادر جانشین را که از حق حضانت محروم کنیم حق ملاقات او محفوظ است. بنابراین در حالت

جانشینی در بارداری هر کدام از مادر حکمی یا مادر حکمی یا مادر جانشین را که مادر قانونی طفل محسوب نکنیم باز هم به لحاظ قرابتی که از نقش هر یک از اینها در تکون طفل ناشی می شود او را در ردیف اقربا باید قرار دهیم و حق ملاقات او را محترم بشماریم.

گفتار سوم- ولایت قهری

ولایت کودک در حقوق ایران برابر م ۱۱۸۰ ق.م با پدر و جد پدری است بنابراین نه مادر حکمی و نه مادر جانشین هیچکدام ولایت قهری بر کودک ندارند. و تا زمانی که کودک به سن بلوغ نرسیده تحت ولایت پدر و جد پدری یعنی صاحب اسپرم و پدر صاحب اسپرم است و اگر بعد از بلوغ، مجنون یا سفید بود و سفه یا جنون او متصل به زمان صغر باشد طبق م ۱۱۸۰ ولایت بر فرزند ادامه پیدا می کند.

گفتار چهارم- الزام به انفاق

ما می خواهیم بررسی کنیم که طفل متولد از رحم اجاره ای از جهت الزام به انفاق با چه کسانی ارتباط متقابل پیدا می کند. و موضوع را در ۳ بخش بررسی می کنیم:

بند اول- انفاق بین کودک و صاحب اسپرم

برابر م ۱۱۹۶ ق.م فقط اقرب نسبی در خط عمودی اعم از صعودی و نزولی الزام به انفاق همدیگر دارند پس پدر و مادر و فرزند تحت شرایطی ملزم به انفاق همدیگرند. و

صاحب اسپرم در این مورد پدر کودک است و طبق ۱۱۹۹ ملزم به نفقه فرزند خود است.

البته قدرت و استطاعت شرط اجرای این تکلیف است.

بند دوم- انفاق بین کودک و صاحب تخمک

صاحب تخمک یکی از عوامل تشکیل جنین را ایجاد کرده است و مادر کودک محسوب

می شود و با توجه به م ۱۱۹۹ نفقه کودک همان طور که اشاره شد ابتداءً بر عهده پدر

است و سپس در صورت فوت پدر و یا عدم قدرت او به انفاق بر عهده اجداد پدری

است با رعایت الاقرب فالاقرب و در صورت نبودن پدر و یا عدم قدرت آنها به نفقه بر

عهده مادر است. اگر بگوئیم که فرزند ناشی از رحم اجاره ای فرزند صاحب تخمک

است، او ملزم به انفاق است و البته فرزند هم متقابلاً این تکلیف را دارد.

بند سوم- انفاق بین کودک و صاحب رحم اجاره ای

اگر رابطه صاحب رحم اجاره ای با کودک را رابطه ای چون رابطه مادر رضاعی با طفل

محسوب کنیم می توانیم بگوئیم که همانطور که با وجود ایجاد بعضی آثار بین مادر

رضاعی و کودک همچون حرمت نکاح، ولی توارث و انفاق بین آنها ایجاد نمی شود. در

مورد صاحب رحم اجاره ای هم چنین بگوئیم که بین او و کودک رابطه انفاق ایجاد نمی

شود.

گفتار پنجم- توارث

این موضوع را در ۳ بند بررسی می کنیم:

بند اول- توارث بین صاحب اسپرم و کودک

در این مورد همچنان که گفته شد صاحب اسپرم، پدر کودک محسوب می شود و یکی از موجبات ارث، نسب است و طبق مواد ۸۶۱ و ۸۶۲، اولین طبقه ای که توارث بین آنها برقرار است پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد هستند و فقط فرزندان ناشی از زنا از جهت توارث رابطه ای با زانی و زاینده ندارند و همچنانکه گفته شد در مورد بحث ما اگر جنین تشکیل شده از ترکیب اسپرم و تخمک زن و شوهری در رحم زنی دیگر قرار بگیرد بدون تردید فرزند، فرزند ناشی از زنا تلقی نشده و اینها از یکدیگر ارث می برند.

بند دوم- توارث بین طفل و صاحب تخمک

همانطور که کودک را ملحق به صاحب اسپرم می دانیم، می توانیم او را ملحق به صاحب تخمک هم بدانیم و رابطه توارث را بین او و طفل برقرار کنیم.

بند سوم- توارث بین طفل و صاحب رحم اجاره ای

اگر بین کودک و مادر اجاره ای قایل به وجود قرابت نسبی باشیم و همین مقدار کافی است تا به دلیل وجود نسب توارث را بین آنها جاری بدانیم. و نتیجه این نظر آن می شود که کودک دارای ۲ مادر است و بین هر دو مادر و طفل توارث وجود دارد.

نتیجه گیری کلی

از مجموع مطالب گفته شده می توان نتایج زیر را به دست آورد:

۱- در مورد تلقیح مصنوعی زن با اسپرم شوهر می توان گفت که در حقوق کنونی ایران عمل صحیحی است و آثار حقوقی خاص خود را دارد و از نظر فقهی هم مشکل چندانی بر آن بار نیست و تقریباً اشکالی ندارد. و آن دسته از فقها هم که مشروع بودن این روش را مورد تردید قرار داده اند بیشتر به دلیل بیم از مقدمات حرام مثل اخذ اسپرم و تخمک به روش غیر مجاز است

۲- تلقیح مصنوعی زن با اسپرم بیگانه موضوعی است که در آن اختلاف نظر وجود دارد و این روش مخالفان بسیاری دارد اگر چه موافقانی هم دارد و در فقه هم دلیل قاطعی بر حرمت یا عدم جواز این روش یافت نمی شود. و البته اگر چه در مقام حکم تکلیفی اکثراً این روش را مجاز نمی دانند ولی در مقام حکم وضعی طفل متولد از این طریق را به اشخاص به عنوان پدر و مادر منتسب می کنند.

۳- قرارداد ما در جانشین را می توانیم اینگونه تعریف کنیم: «قراردادی که به موجب آن یک زن (مادر جانشین) در مقابل یک زوج ازدواج کرده (والدین حکمی) موافقت می کند که جنینی را برای آنها حمل کرده و بچه را به دنیا آورده و او را به مجرد تولد به آن زوج تسلیم نماید که آنها بچه را مثل فرزند خودشان بزرگ کنند.»

۴- حالت مادر جانشین را ما در این نوشته به ۲ دسته جانشینی در بارداری و جانشینی با باروری مصنوعی تقسیم کردیم.

۵- در مورد طفل به دنیا آمده از حالت مادر جانشین، نسب قانونی و شرعی تحقق پیدا

می کند. و در حالت جانشینی در بارداری سه نظریه در مورد رابطه مادری نسبت به طفل

وجود دارد: گروهی زن صاحب تخمک، گروهی دیگر زن صاحب رحم و برخی هم هر

دو را مادر طفل می دانند. در حالت جانشینی با باروری مصنوعی، مادر جانشین که هم

صاحب تخمک است و هم جنین را حمل نموده است، مادر طفل محسوب می شود.

۶- در حالت جانشینی در بارداری اگر مادر حکمی یعنی زن صاحب تخمک را مادر

طفل بدانیم با استفاده از ملاک قرابت رضاعی می توان حکم ممنوعیت نکاح را بین زن

صاحب رحم و طفل محقق دانست.

۷- در صورتی که قائل به دو مادری بودن طفل باشیم وی از هر دو ارث می برد. و با هر

دو رابطه توارث طفل برقرار می شود.

«ضمیمه»

حالت دیگر باروری مصنوعی، اهداء تخمک و یا اهداء جنین است که مادر این نوشته به

بررسی آن نپرداختیم ولی در مورد اهداء جنین قانونی در سال ۱۳۸۲ به تصویب رسید که

ذیلاً آورده می شود:

قانون نحوه اهداء جنین به زوجین ببارور- مصوب ۲۹ تیر ۱۳۸۲

ماده ۱- به موجب این قانون کلیه مداخل تخصصی درمان ناباروری ذی صلاح مجاز

خواهند بود، با رعایت ضوابط شرعی و شرایط مندرج در این قانون، نسبت به انتقال

جنین های حاصله از تلقیح خارج از رحم زوجهای قانونی و شرعی پس از موافقت کتبی

زوجین صاحب جنین به رحم زنانی که پس از ازدواج و انجام اقدامات پزشکی ناباروری

آنها) هر یک به تنهایی یا هر دو) به اثبات رسیده اقدام نمایند.

ماده ۲- تقاضای دریافت جنین اهدایی باید مشترکاً از طرف زن و شوهر تنظیم و تسلیم

دادگاه شود و دادگاه در صورت احراز شرایط ذیل مجوز دریافت جنین را صادر می کند:

الف) زوجین بنا به گواهی معتبر پزشکی، امکان بچه دار شدن نداشته باشند و زوجه

استعداد دریافت جنین را داشته باشد.

ب) زوجین دارای صلاحیت اخلاقی باشند.

ج) هیچ یک از زوجین محجور نباشند.

د) هیچ یک از زوجین مبتلا به بیماریهای صعب العلاج نباشند.

ه) هیچ یک از زوجین معتاد به مواد مخدر نباشند.

و) زوجین بایستی تابعیت جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند.

ماده ۳- وظایف و تکالیف زوجین اهداء گیرنده جنین و طفل متولد شده از لحاظ

نگهداری و تربیت و نفقه و احترام وظایف و تکالیف اولاد و پدر و مادر است.

ماده ۴- بررسی صلاحیت زوجین متقاضی در محاکم خانواده خارج از نوبت و بدون

رعایت تشریفات آئین دادرسی مدنی صورت خواهد گرفت و عدم تأیید صلاحیت

زوجین، قابل تجدید نظر می باشد.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

ماده ۵- آئین نامه اجرائی این قانون ظرف مدت سه ماه توسط وزارت بهداشت، درمان و

آموزش پزشکی با همکاری وزارت دادگستری تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد

رسید.

www.kandoocn.com
www.kandoocn.com
www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

فهرست منابع

منابع مرجع

- قرآن کریم

- قانون اساسی

- قانون مدنی

- قانون مجازات اسلامی

کتب:

- امامی، اسدا...، مطالعه تطبیقی نسب در حقوق ایران و فرانسه، چاپخانه موسوی، تهران ۱۳۴۹

- امامی، حسن، حقوق مدنی، جلد ۵، چاپ دوم، تهران، اسلامیه، ۱۳۴۳.ه.ش

- صمدی اهری، محمد هاشم، نسب ناشی از لقاح مصنوعی در حقوق ایران و اسلام، چاپ اول،

(انتشارات گنج دانش، تهران ۱۳۸۲)

- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: خانواده، جلد ۲، چاپ سوم، تهران، شرکت انتشار ۷۲-۱۳۷۱

- نایب زاده، عباس، بررسی حقوقی روش های نوین باروری مصنوعی، مادر جانشین، اهداء

تخمک/جنین، چاپ اول، (انتشارات مجد، تهران ۱۳۸۰)

پایان نامه:

- نعمتی، نبی.....، تلقیح مصنوعی و آثار حقوقی آن

مقالات:

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

- حاتمی، علی اصغر، لقاح مصنوعی از دیدگاه حقوقی، مجله دیدگاههای حقوقی شماره ۱۶-۱۲

(سال ۷۸-۱۳۷۷)

- حسینی خواه، سید جواد، تلقیح مصنوعی، مجله دانش پژوهان، شماره ۵

- قبله ای، خلیل، بررسی احکام فقهی و حقوقی کودکان نامشروع، مجله دیدگاههای حقوقی،

شماره ۱۶-۱۲

- مهرپور، حسین، نگرشی به وضعیت حقوقی و شرعی باروری مصنوعی، مجله تحقیقات

حقوقی، شماره ۲۰-۱۹ (۱۳۷۶)

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooen.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1
Directory:
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm
Title: « »
Subject:
Author: SinaSoft
Keywords:
Comments:
Creation Date: 4/10/2012 6:35:00 PM
Change Number: 1
Last Saved On:
Last Saved By: hadi tahaghoghi
Total Editing Time: 0 Minutes
Last Printed On: 4/10/2012 6:35:00 PM
As of Last Complete Printing
Number of Pages: 57
Number of Words: 7,315 (approx.)
Number of Characters: 41,698 (approx.)